

سوره «احقاف» (۴۶)

سوره «احقاف» آخرین سوره از مجموعه هفتگانه‌ای است که تماماً با حروف مقطعه «حم» افتتاح گشته و علیرغم ویژگیهای مستقل، از نظر اصول و کلیات محورهای مشترکی را تعقیب می‌نمایند.

مشخصه اصلی این سوره که بوضوح جلوه می‌کند^۱ مسئله «انذار» است. انذار از عذابی که در دنیا و آخرت در انتظار تکذیب‌کنندگان دعوت فطری رسولان می‌باشد. حتی نام سوره از آیه‌ای گرفته شده است که ضمن اشاره به «انذار» قوم عاد در سرزمین احقاف^۲، جریان تاریخی «منذربین» را برای متوجه ساختن انسانها به «توحید» یادآور می‌شود: (آیه ۲۱)

واذکر اخاعاد اذ انذر قومه بالاحقاف وقدخلت النذر من بین یدیه و من خلفه الا
تعبدوا الا الله انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم

پیامبر خاتم (ص) خود را جز «انذار» دهنده‌ای آشکار بر اساس پیام‌های وحی معرفی نمی‌کرد (ان اتبع الا ما یوحی الی و ما انا الا نذیر مبین^۳) و کتاب مصدقی را که به زبان قوم خود آورده بود جز اندازی بر ظالمین و بشارتی بر محسنین توصیف نمی‌نمود (... و هذا کتاب مصدق لساناً عربیاً لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین)^۴. با اینحال گرچه

۱. بجز سوره جاثیه (۴۵) در بقیه سوره‌های این مجموعه هفتگانه نیز موضوع و مسئله «انذار» مطرح گشته است: سوره مؤمن (۴۰) آیات ۱۵ و ۱۸، سوره فصلت (۴۱) آیات ۴ و ۱۳، سوره شوری (۴۲) آیه ۷، سوره زخرف (۴۳) آیه ۲۳ و سوره دخان (۴۴) آیه ۳. اما در سوره احقاف به تنهایی به اندازه مجموع سوره‌های فوق کلمه انذار بکار رفته است.

۲. آنطور که می‌گویند «احقاف» نام قدیم سرزمین آباد و پر حاصل قوم عاد (قوم هود پیامبر (ع)) در جنوب عربستان بوده است که اکنون غیر مسکون و ریگزار و خشک است.

۳. آیه ۹

۴. آیه ۱۲

بیگانگان از استماع قرآن متذکر و منقلب شده از «انذار» آن با خوف و خشیت قوم خویش را بیم می دهند (... و لولا الی قومهم منذرین^۱) ولی کسانی که قرآن به لسان خود آنها نازل شده و پیام آور آن بشری همنون خودشان می باشد از آن اعراض می نمایند: (...والذین کفروا عما نذروا معرضون^۲)

موضوع و زمینه «انذار» ناظر به همان مثلث: «توحید، نبوت، قیامت» می باشد که اعتقاد به آن پایه و اساس «ایمان» را تشکیل می دهد. پیامبران جز برای ابلاغ این پیام ارسال نشدند که بشر را از پرستش خدایان متعدد باطل به خدای یگانه حق متوجه سازند و آنها را به نقش «عمل» و مسؤولیت انسان در برابر کردار خود در روز قیامت آگاه نموده و از عواقب شرک و کفر و ظلم که موجب عذاب یوم عظیم می شود «انذار» دهند (... الا تعبدوا الا الله انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم).

دو راه متنافر

این سوره مردم را در برابر پیام رسولان به دو دسته ظالم و محسن تقسیم می نماید (... لینذر الذین ظلموا و بشری للمحسنین)، ظالم کسی است که به مردم ستم می کند و محسن کسی است که به آنها نیکوئی و احسان می نماید. یعنی نتیجه و عکس العمل در برابر رسولان را در بازتاب اجتماعی آن نشان می دهد.

علاوه بر تعریف فوق، این دو صنف را با عناوین متضاد: مؤمن، کافر و مسلم، مستکبر و... معرفی کرده است.

به صنف اول که آنها را با صفات: محسنین، صادقین، مسلمین، منذرین، مومنین... نامیده بشارت بهشت می دهد و به صنف دوم که آنها را نیز با صفات: معرضون، غافلون، کافرین، ظالمین، فاسقین، مجرمین و مستکبرین معرفی کرده و بدلیل افتراء و استهزای به آیات خدا از «خاسرین» روز قیامت شمرده، وعده: عذاب الیم، عذاب یوم عظیم و عذاب الهون (خواری و پستی) می دهد.

بنظر می رسد بارزترین خصلت این گروه را در کلمه «فسق» نشان داده باشد که نتیجه و محصول خَلقیات فوق می باشد. معنای «فسق» خارج شدن از حدود الهی و حریم قوانین و مقررات تشریحی او می باشد. باقیماندن در این حدود و حریم به نیروی «تقوی» ممکن می باشد. وقتی تقوی و عزم و اراده ای در کار نبود و استکبار و غرور و خودپرستی مانع از تمکین به این قوانین و تسلیم به حکم خدا گردید همه کار ممکن می گردد.

بی جهت نیست که عذابِ خوارکننده روز قیامت را جزای مستکبرینی می شمارد که یکسره «فسق» (قانون شکنی) می کردند:

..فالیوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون فی الارض بغير الحق و بما كنتم
تفسقون. آیه ۲۰)

و سوره را با این کلمه (فاسقون) و با این ابلاغ خلاصه و نتیجه گیری می نماید که:
«... آیا جز فاسقان هلاک می شوند؟»

...بلاغ فهل یهلك الا القوم الفاسقون (آیه ۳۵)

*

تمثیل دوگانگی ها

برای تبیین دوگانگی انسانها در برابر مثلث: «توحید، نبوت، قیامت» مثالهای عبرت انگیز و آموزنده ای نیز می زند تا اگر قلب قابلی باشد منقلب گردد. از کانون خانواده و روابط فرزند با والدین شاهد می آورد تا در قیاس و تشبیه، وجدانها را به روابط بنده با خالق بکشانند. یک طرف فرزندی است که به پاس احسان والدین و ایثار مادر در دوران بارداری و شیرخوارگی تا دوران بلوغ و باروری و کمال، از خداوند مسئلت می نماید شکر نعمتی را که بر او و والدینش ارزانی داشته و انجام عمل شایسته ای که موجب رضایت خدا باشد توفیق دهد و ذریه و نسل بعد او را نیز شایسته گرداند که از بازگشت کنندگان به درگاه خدا و تسلیم شدگان به مشیت او گردند. (آیه ۱۵)

طرف دوم فرزندی است که ناسپاس و درشتگوی به والدین است (والذی قال لوالدیه اف لکما...) و در جواب دلسوزی و ترحم آنها که از روی خیرخواهی و عاقبت اندیشی او را به حقانیت وعده الهی و تحقق قیامت و خروج انسانها برای رسیدگی به اعمال متذکر می شوند با بی خیالی و غفلت و غرور جوانی آنها را افسانه های قدیمی می شمرد (... و یلک امن ان وعدالله حق فیقول ما هذا الا اساطیر الاولین) آیه ۱۷

مثال فوق دقیقاً دوگانگی حالت انسانها را در برابر پروردگار خود نشان می دهد. این تمثیلی است که برای همه انسانها محسوس و ملموس است، چرا که بالاخره هرکس در خانواده ای زندگی می کند یا اگر یتیم و بی کس بزرگ شده باشد شاهد خانواده های دیگر و روابطی از دو نمونه فوق الذکر بوده است، هر انسانی می تواند به وجدان خود و فطرت پاک و نه آلوده اش مراجعه کند و قضاوت نماید که کدامین شیوه در رابطه با والدین سزاوارتر است آنگاه نتیجه را به خالق خود که همه نعمت ها، از جمله نعمت پدر و مادر، از جانب اوست تسری دهد و عذر تقصیر به پیشگاه ذوالجلال والاکرامش تقدیم نماید.

مثال عبرت‌انگیز دیگری از ناسپاسی و ایمان‌انسانها را به دنبال مثال فوق مطرح می‌سازد. یکطرف اعراب جاهل و غافل و ناسپاسی هستند که علیرغم شواهد تاریخی که از هلاکت اقوام پیرامون خود، همچون قوم عاد در احقاف (جنوب عربستان) پیش‌رو دارند و علیرغم آیات مختلفی که برای انذار آنها ارائه می‌شود از گمراهی و ضلالت برنمی‌گردند (و لقد اهلکنما حولکم من القرى و صرفنا الایات لعلهم یرجعون - آیه ۲۷) و دست از الهه‌ایکه به عنوان نصرت درپیش آمده‌های روزگار و تقرب به درگاه خدا، از روی گمراهی و افک و افترا اتخاذ کرده‌اند برنمی‌دارند (فلولا نصرهم الذین اتخذوا من دون الله قرباناً الهه بل ضلوا عنهم و ذلک افکهم و ما کانوا یفترون)...

و در طرف دیگر (همانطور که قبلاً متذکر شدیم) بیگانگانی هم هستند که وقتی خداوند به گونه‌ای آنها را متوجه رسول خاتم (ص) و آهنگ قرآن می‌نماید به احترام و اکرام آن سکوت می‌نمایند تا از کلام خدا ظرف قابلیت خود را سرشار نمایند و از این جذبه‌ای که با جان خود جذب کرده‌اند، احساس مسئولیت جمعی در رسالت اجتماعی کرده بنا به وظیفه ولایت و کفالت ایمانی، قوم خود را انذار می‌دهند (آیه ۲۹). و آنان را مخاطب ساخته متوجه کتاب هدایت‌کننده بسوی حق و طریق مستقیمی که پس از موسی (ع) نازل شده و مصدق کتب پیشین می‌باشد می‌نمایند. (آیه ۳۰) و به اجابت دعوت رسول و ایمان به او فرامی‌خوانند تا مشمول مغفرت الهی و نجات از عذاب گردند (آیه ۳۱) و بدانند در صورت عدم اجابت دعوت رسول نه خدا را عاجز توانند کرد و نه اولیائی بجز او خواهند داشت که این عین گمراهی است (آیه ۳۲)

مثلث «توحید، نبوت و آخرت»

تمامی آیات این سوره پیرامون سه پایه مثلث: «توحید، نبوت (و کتاب) و آخرت» می‌باشد بطوریکه آیه‌ای را نمی‌توان یافت که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با سه اصل فوق نباشد. ذیلاً آیاتی را که بطور واضح و آشکار و مستقیماً در رابطه با هر یک از موضوعات سه گانه فوق قرار دارد ذکر می‌نمائیم:

الف - توحید - در ۸ آیه‌ائی که مستقیماً به این امر مربوط می‌شود ۴ بار جمله «من

دون الله^۱ تکرار شده است که شرک را در اتخاذ الهه، دعا و خواندن غیر خدا و اتخاذ ولایت غیره نشان می دهد.

آیه (۴) - قل ارايتم ما تدعون من دون الله اروني ماذا خلقوا ام لهم شرك في السموات...

» (۵) - و من اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له...

» (۶) - و اذا حشر الناس... و كانوا بعبادتهم كافرين.

» (۱۳) - ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا...

» (۲۱) - و اذکر اخاعاد... الا تعبدوا الا الله.

» (۲۲) - قالوا اجئتنا لتافكنا عن الهتنا...

» (۲۷) - فلولوا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قربانا الهه...

» (۳۲) - و ليس له من دونه اولياء...

علاوه بر جمله «من دون الله» (بجز خدا)، در آیات فوق ۲ بار از تعبید نسبت به غیر خدا (آیات ۶، ۲۱)، ۲ بار از الهه گرفتن (آیات ۲۲ و ۲۷) و یکبار از اتخاذ و ولایت غیر خدا نام برده است. مجموعه کلمات: دعا، استجابت، شرک، عبادت، تقرب، ولایت، ربوبیت، خلقت... نظامی را تشکیل می دهند که مفهوم توحید را از خلال آنها باید استنباط کرد. موحد راستین کسی است که علیرغم شرک الهه پرستان اعلام می نماید پروردگار من الله است و سپس در این راه مستقیم و استوار مانده به چپ و راست منحرف نمی شود:

ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلاخوف عليهم ولا هم يحزنون^۲ (آیه ۱۳)

ب - نبوت (رسالت و کتاب) پایه دوم مثلث ایمان را که «نبوت» نام نهادیم شامل موضوعات مربوط به نبوت (پیام آوری) یعنی وحی و کتاب و تبلیغ رسالت و آیات بینات نیز می باشد. در آیات ذیل آورنده پیام را بنام رسول (آیات ۹ و ۲۳) یا «داعی الله» (آیات ۳۱ و ۳۲) معرفی کرده است، اما در موضوع اصل پیام کلمات متعددی مانند: قرآن، کتاب، وحی، آیات الله، آیات بینات، حق، ابلاغ رسالت الهی و... بکار برده است.

موضع کافران را نیز در برابر پیام: جحود (انکار با لجبازی)، استهزاء و یا برچسب زدن به قرآن به عنوانین: «سحر مبین، افک مبین، و افتری» نشان داده است:

۱. آیات ۴-۵-۲۷-۳۲

۲. در آیه ۳۰ سوره فصلت (۴۱) نیز که از سوره های همین مجموعه هفتگانه است مشابه آیه توحیدی فوق تکرار شده است. با این تفاوت که نقش خوف و حزن زدائی فرشتگان را از موحدین نشان می دهد.

آیه (۱۰) قل ارايتم ان كان من عند الله و كفرتم به
آیه (۱۱) و قال الذين كفروا... لو كان خيراً ما سبقونا اليه و اذلم يهتدوا به... هذا انك

مبين

آیه (۲۳) ... و ابلغكم ما ارسلت به اليكم.

آیه (۲۶) اذ كانوا يجحدون بآيات الله و حاق بهم ما كانوا به يستهبون.

آیه (۲۸) و اذ صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون القرآن...

آیه (۲۹) قالوا يا قومنا انا سمعنا كتاباً انزل...

آیه (۳۰) يا قومنا اجيبوا داعي الله...

آیه (۳۱) و من لا يحب داعي الله...

آیات فوق که مستقیماً به مسئله نبوت و کتاب مربوط می شود بیش از ۳۰٪ کل سوره

احقاف را تشکیل می دهد.

آخرت

برای توصیف مراحل مختلف حیات آخرت کلمات متعددی در این سوره بکار رفته است که عبارتند از: يوم القیمة، حشر، خروج، اجل، روز عرضه کافران بر آتش (يوم يعرض الذين كفروا على النار)، روز دیدن وعده های الهی و... علاوه بر آن تحقق وعده های الهی را در مورد مؤمنین و کفار و جزای انسانها را بر حسب اعمال آنها و درجات یا درکاتی را که در بهشت یا جهنم بدست خواهند آورد ذیلاً شرح می دهد:

آیه (۳) - ما خلقنا السموات والارض الا بالحق و اجل مسمى...

آیه (۵) - و من اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القیمة...

آیه (۶) و اذا حشر الناس كانوا لهم اعداء

آیه (۱۶) اولئك الذين... في اصحاب الجنة و عد الصدق الذي كانوا يوعدون

آیه (۱۷) و الذي قال لوالديه اف لكما اتعدانني ان اخرج... ان وعد الله حق...

آیه (۱۸) اولئك الذين حق عليهم القول... انهم كانوا خاسرين

آیه (۱۹) و لكل درجات مما عملوا و ليوفيهم اعمالهم و هم لا يظلمون

آیه (۲۰) يوم يعرض الذين كفروا على النار... فاليوم تجزون عذاب الهون...

آیه (۳۲) او لم يروا ان الله... بقادر ان يحيي الموتى...

آیه (۳۴) و يوم يعرض الذين كفروا على النار اليس هذا بالحق...

آیه (۳۵) ... كانهم يوم يرون ما يوعدون...

نام‌های الهی

در سوره احقاف ۱۶ بار نام جلاله «الله»، ۴ بار رب (مضاف) و ۵ نام از اسماء الحسنی به ترتیب ذیل بکار رفته است
 آیه (۲) - عزیز الحکیم آیه (۸) غفور الرحیم آیه (۳۳) انه علی کلشی قدیر
 علاوه بر آن دو نام دیگر نیز بطور ضمنی بکار رفته است که باید مورد توجه قرار گیرد:
 آیه (۸) کفی به شهیداً - آیه (۳۲) بقادر ...

آهنگ سوره

سوره احقاف از ۳۵ آیه تشکیل شده است که ۲۱ آیه با حرف «ن»، ۸ آیه با حرف «م» و ۱ آیه با حرف «ر» ختم می‌شود.

حذف «م» آیه ۱ - حم آیه (۱۱) - افک قدیم آیه (۳۰) طریق مستقیم حرف «ر»
 «(۲) عزیز الحکیم» «(۲۱) - یوم عظیم آیه (۳۱) عذاب الیم آیه (۳۳) انه علی کلشی قدیر
 «(۸) غفور الرحیم» «(۲۴) عذاب الیم»

توجه به کلمات انتهائی آیاتی که آهنگ مغایری دارند (با حرف «م» و «ر» ختم می‌شوند) به فهم محورهای سوره کمک شایانی می‌کند. ۹ آیه‌ائی که استثنا شده‌اند مفهوم «حم» و «عزیز الحکیم» را نشان می‌دهند، خداوند نسبت به بندگان که طریق مستقیم (آیه ۳۰) او را برگزیده‌اند غفور الرحیم (آیه ۸) است و کسانی را که آیات او را «افک قدیم» (آیه ۱۱) می‌نامند در یوم عظیم (آیه ۲۱) به «عذاب الیم» (آیات ۲۴ و ۳۱) گرفتار خواهد کرد. چرا که او نسبت به هرکاری قدیر است (آیه ۳۳).

کلمات کلیدی

علاوه بر کلمه «انذار» کلمات کلیدی مهم دیگری در این سوره بکار رفته است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم:

۱- حق - در این سوره نیز همچون سوره جائیه (و سایر سوره‌های این مجموعه هفتگانه) موضوع «حق» که جدی بودن و هدفداری را می‌رساند و مفهومی مقابل بازیچه و باطل بودن دارد چندین بار تکرار شده است.

آیه (۳) و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الآ بالحق... (حقانیت آفرینش)
 آیه (۷) و اذا تلی علیهم آیاتنا بینات قال الذین کفروا للحق... (حقانیت کتاب)

آیه (۱۷) ... و هما يستغيثان و يلك آمن ان وعد الله حق... (حقانیت قیامت)

آیه (۱۸) اولئك الذين حقّ عليهم القول... (تحقق عذاب)

آیه (۲۰) ... كنتم تستكبرون في الارض بغير الحق...

آیه (۳۰) ... يهدى الى الحق و الى طريق مستقيم

آیه (۳۴) و يوم يعرض الذين كفروا على النار ليس هذا بالحق...

۲- عمل- مسئله عمل و اكتساب بعنوان تنها معیار تعیین کننده سرنوشت انسان در روز قیامت در این سوره نیز همانند سوره جاثیه به عنوان کلمه ای کلیدی بکار رفته است:

آیه (۱۴) اولئك اصحاب الجنة خالدین فيها جزاء بما كانوا يعملون.

آیه (۱۵) و وصينا الانسان بوالديه احساناً... و ان اعمل صالحا ترضيه...

آیه (۱۶) اولئك الذين نتقبل عنهم احسن ما عملوا...

آیه (۱۹) و لكل درجات مما عملوا و ليوفيهم اعمالهم و هم لا يظلمون.

آیات ۴ گانه فوق در یک سیاق و موضوع و تقریباً پشت سرهم قرار گرفته اند و عمدتاً ناظر به اعمال صالح انسان می باشند.

۳- دعا - دعا به معنای خواندن کسی یا چیزی و با او رابطه برقرار کردن، چندین بار در این سوره مورد توجه قرار گرفته است که در رابطه با موضوع شرک و توحید قابل مطالعه می باشد. مشرکین کسانی را بجای خدا «می خوانند» که نه چیزی در زمین آفریده اند و نه شرکتی در آسمانها دارند و نه روز قیامت به دلیل ناآگاهی می توانند درخواست دادرسی آنها را اجابت نمایند:

آیه (۴) قل ارايتم ما تدعون من دون الله...

آیه (۵) و من اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة و هم عن

دعائهم غافلون.

اما کسانی که «داعی الله» (پیامبر دعوت کننده بسوی خدا) را «اجابت» کنند خداوند گناهانشان می آمرزد و از عذاب الیم پناهمان می دهد در حالیکه گمراهان بی اعتنا به این دعوت، نه خدا را در تلاشهای ضد توحیدی خود ناتوان خواهند ساخت و نه بجز او یاوری خواهند داشت:

(آیه ۳۰) یا قومنا اجیبوا داعی الله و امنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من

عذاب الیم.

آیه (۳۱) و من لایجب داعی الله فلیس بمعجز فی الارض و لیس له من دونه من اولیاء

اولئک فی ضلال مبین.

نکته جالب توجه اینکه در این سوره بجای کلمه رسول یا نبی کلمه «داعی الله» را بکار برده است تا در رابطه با دو آیه ۴ و ۵ ابتدای سوره حقیقت دعوت و اجابت را در طریق مستقیم الهی نشان دهد.

۴- کفر

در این سوره کسانی را که دعوت پیامبران را اجابت نمی کنند و منکر توحید و نبوت و قیامت می شوند، عمدتاً «کافر» نامیده است. کافر به معنای کسی که ناسپاس به نعمت های خدا است و حق را ندیده می گیرد با برآن سرپوش می گذارد. مسئله کفران عمدتاً در رابطه با نعمت قرآن و هدایت (نبوت) بکاررفته است. به غیر از آن در انکار حقیقت آفرینش و توحید و قیامت می باشد

آیه (۳) ... والذین کفروا عما اندروا معرضون (در رابطه با انکار حق بودن آفرینش و اجل داشتن آن)

آیه (۶) و اذا حشر الناس كانوا لهم اعداء و كانوا بعبادتهم کافرین (کفر در قیامت نسبت به عبادت دنیائی بت ها)

آیه (۱۱) و قال الذین کفروا للذین آمنوا لو كان خيراً ما سبقونا لیه... (در رابطه با ناسپاسی به قرآن)

آیه (۷) و اذا تتلى عليهم آیاتنا قال الذین کفروا للحق لما جائهم هذا سحر مبین (در رابطه با کفران نعمت قرآن)

آیه (۱۰) قل ارايتم ان كان من عند الله و کفرتم به... (در رابطه با کفران نعمت قرآن)
آیه (۲۰) و يوم يعرض الذین کفروا على النار... کنتم تستکبرون فی الارض بغير الحق و بما کنتم تفسقون (در برابر ایمان)

آیه (۳۴) و يوم يعرض الذین کفروا على النار اليس هذا بالحق... (در رابطه با آتش)

ویژگیهای کفران

الف- انکار آیات و سحر نامیدن آن

آیه (۷) و اذا تتلى عليهم آیاتنا بینات قال الذین کفروا للحق لما جائهم هذا سحر مبین

آیه (۱۰) قل ارايتم ان كان من عند الله و کفرتم به

ب- دروغ و افسانه پیشین نامیدن آیات^۱

آیه (۱۷)... ما هذا الا اساطير الاولين.

آیه (۱۱)... فسيقولون هذا افك قديم

آیه (۲۲) قالوا اجئتنا لتأفكنا عن الهتنا...

ج- انکار لجبازانه و استهزای آیات

آیه (۲۶)... يجحدون بآيات الله وحق بهم ما كانوا به يستهزؤن

د- استکبار

آیه (۱۰) قل ارايتم ان كان من عند الله و كفرتم به... و استکبرتم

آیه (۲۰)... فاليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون في الارض بغير الحق...

ر- فسق

آیه (۲۰)... و بما كنتم تفسقون

آیه (۳۵)... فهل يهلك الا القوم الفاسقون

ز- الهه پرستی

آیه (۲۲) قالوا اجئتنا لتأفكنا عن الهتنا...

آیه (۲۸) فلولا نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قرباناً الهة...

*

عذاب - با ویژگیهایی که از کافران بر شمرده شد، انتظاری جز عذاب که نتیجه مستقیم عملکرد خودشان می باشد نمی رود. به همین خاطر در این سوره ۵ بار بر عذاب کافران تصریح شده است:

آیه (۲۰) فاليوم تجزون عذاب الهون...

آیه (۲۱) انى اخاف عليكم عذاب يوم عظيم.

آیه (۲۴) بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اليم

آیه (۳۱)... و يجركم من عذاب اليم

آیه (۳۴)... فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون

۱. هر چند کافران دیدشان منحصر آمتوجه زمان حال و زندگی دنیاست و گذشته و آینده را نادیده گرفته و پیام رسول را اساطیر الاولین و «افک قدیم» می خوانند اما در دو مثالی که در این سوره از فرزند صالح یک خانواده و گروهی بیگانه می زند، در هر دو مورد توجه به گذشته و آینده را مورد تأکید قرار می دهد. فرزند صالح هم قدر شناس زحمات پدر و مادر است (گذشته) و هم اصلاح ذریه خود را از خدا طلب می نماید (آینده). همچنین گروه بیگانه هم به نزول کتاب در زمان موسی توجه دارند (گذشته تاریخ) و هم به آینده قیامت (یغفر لکم من ذنوبکم).

ارتباط سوره‌های احقاف و محمد (۴۶ و ۴۷)

این دو سوره فصل مشترک میان دو مجموعه به‌شمار می‌روند؛ «احقاف» آخرین سوره از مجموعه سوره‌های دارای حروف مقطعه «حم» (مجموعه حوامیم که وجه مشترک میان آنها تنزیل کتاب از جانب خداوند عزیز و حکیم است و دو سرچشمه رحمت و حکمت را نشان می‌دهد)، و سوره محمد اولین سوره از مجموعه «عملکرد مردم در برابر ولایت رسول الله» است که نقش مردم را (اعم از مؤمن و منافق و کافر) از جهت اطاعت یا عصیان در برابر آن حضرت بیان می‌کند. این دو مجموعه که یکی در باره کتاب تنزیل یافته و دیگری درباره پیاده‌کننده آن (رسول) سخن می‌گوید با یکدیگر تناسب و تجانس داشته بین سوره‌های آن، که دو سوره موردنظر نیز از آن جمله‌اند، هماهنگی و پیوند همسایگی وجود دارد.

آنچه در نگاه نخست جلب نظر می‌کند، وفور جمله: «الذین کفروا» در هر دو سوره است که ۵ بار در سوره «احقاف» و ۷ بار در سوره «محمد» تکرار شده است؛ این تعداد به‌اضافه مشتقات دیگر کلمه «کفر» نشان می‌دهد که موضوع عملکرد «کافران» محور اصلی هر دو سوره می‌باشد. با این تفاوت که در سوره احقاف افکار و اعتقادات شرک‌آمیز آنان مورد تحلیل قرار گرفته و در سوره محمد اعمال بازدارنده‌شان از راه خدا زمینه‌ساز و توجیه‌کننده دستور مقابله جدی علیه آنان گردیده است.

نگاهی سطحی به سوره احقاف نشان می‌دهد ۱۴ آیه نخست^۲ و آیات ۲۶ تا ۲۸ و سه آیه آخر^۱ درباره همان کافرانی است که در سوره محمد فرمان قتال با آنها صادر گردیده است. اتصال این دو سوره نیز مؤید استنطاق فوق می‌باشد. دو آیه انتهایی سوره احقاف از عرضه کافران بر آتش (در روز قیامت) و همچنین دستور صبر و مقاومت به پیامبر در برابر انکار و تکذیب و توطئه کافران سخن می‌گوید و اولین آیه سوره محمد درباره کافرانی است که مردم را از خدا بازداشتند، یعنی حلقه ارتباطی و «واسطه العقد» هر دو سوره کاملاً طبیعی و منطقی می‌باشد.

۱. به‌غیر از ۹ سوره بلند ابتدای قرآن در هیچ سوره‌ای چنین نسبتی وجود ندارد.

۲. که به‌فاصله یک‌سال پس از سوره محمد نازل شده است.